

زبان فارسی و گویش های ایرانی

سال چهارم، دوره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۸، شماره پیاپی ۷

صفحات ۲۸-۷

نظام «فعل» در گویش «انارکی»: مقوله‌های «واژمعنایی» و، نظام مطابقت «انشاقی»

دکتر شادی داوری^۱

شکوفه جعفری^۲

خدیدجه رجبی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۱۴

چکیده

انارک، از بخش‌های شهرستان نائین، در شرق استان اصفهان است. داده‌های انارکی حاکی‌اند که در این گویش، نشانه هر سه وجه امری، اخباری و التزامی، یکسان و پیشوند *e-* است. نشانه‌های زمان گذشته و نفی در این گویش به ترتیب پسوند *-t* و پیشوند *na-* هستند، با این توضیح که زمان گذشته در بسیاری از افعال انارکی، با «نظام مطابقت انشاقی» این گویش نیز رمزگذاری می‌شود. با این نظام دو شقی و نادر، جایگاه و مقوله ساختوازی نشانه‌های مطابقت نسبت به زمان تغییر می‌کند، به طوری که در زمان حال، صورت پسوند و در زمان گذشته، صورت پیش‌بست دارند. واکاوی وضعیت حاضر در این گویش از آنرو اهمیت دارد که نشانه‌های مطابقت، در غالب زبان‌های دنیا، وندهای تصریفی هستند و به دلیل اصل «وابستگی» گرایش به کسب آخرین جایگاه در فعل دارند. با وجود این، مشاهده می‌شود که داده‌های انارکی، اصل جهانی «وابستگی» را نقض و مطابقت فاعلی را در زمان گذشته با واژه‌بست و نیز در نزدیک‌ترین نشانه به پایه برقرار می‌کند.

واژگان کلیدی: گویش انارکی، نظام فعلی، مطابقت، نمود، وجه، زمان

✉ sh50d@yahoo.com

۱. دانش‌آموخته دکتری زبان‌شناسی همگانی، مدرس دانشگاه علوم پزشکی تهران

۲. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شاهرود

۳. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شاهرود

۱- مقدمه

زبان‌های ایرانی گروهی از زبان‌های خویشاوندند که از زبان ایرانی مشترک مشتق شده و از نظر منشأ و تبار و نیز از نظر ساخت دستوری و واژگان اصلی به هم وابسته‌اند (ارانسکی^۱: ۱۳۸۶: ۳۲). زبان‌های ایرانی به لحاظ تاریخی به سه دوره باستان، میانه و نو تقسیم می‌شوند. زبان‌های ایرانی نو، به لحاظ جغرافیایی، در ایران و افغانستان متمرکزند و به لحاظ تاریخی، با فروپاشی شاهنشاهی ساسانی در سده هفتم میلادی آغاز می‌شوند. زبان‌های ایرانی نو را به شیوه سنتی به دو گروه اصلی شرقی و غربی تقسیم می‌کنند و هر یک از این دو گروه نیز به نوبه خود، زیرگروه‌های شمالی و جنوبی دارند. مبنای اصلی این تقسیم‌بندی‌ها، نوآوری‌ها و نیز ابقای مواردی است که پیش‌تر در دو زبان شناخته‌شده ایرانی باستان (جنوب غربی) و اوستایی (غیر جنوب غربی) و نیز در زبان‌های ایرانی میانه یعنی فارسی میانه (جنوب غربی)، پارتی (شمال غربی)، و سغدی، سکایی، خوارزمی و بلخی (شرقی) بازتاب داشته‌اند (اشمیت^۲: ۱۳۸۳: ۴۱۳).

در کنار دو گروه زبان‌ها و گویش‌های غربی و شرقی، گروه زبان‌ها و گویش‌های مرکزی ایرانی نیز معرفی شده‌است (یار شاطر^۳: ۱۹۸۵؛ لکوک^۴: ۱۳۸۳؛ نغزگوی کهن و داوری، ۱۳۹۳). گویش‌های رایج در ناحیه مرکزی ایران به گویش‌هایی اطلاق می‌شود که در منطقه «مادستان اصلی» بین همدان، اصفهان، یزد و تهران تکلم می‌گردند و هسته مرکزی زبان‌های ایرانی را می‌سازند. در واقع گویش‌های مرکزی جزء جنوبی‌ترین گویش‌های گروه زبان‌های ایرانی شمال غربی هستند (نک. نغزگوی کهن و داوری، ۱۳۹۳: ۲۹۹).

گویش انارکی از گروه شرقی گویش‌های مرکزی ایران است که در انارک، از بخش‌های شهرستان نائین، در شرق استان اصفهان به آن تکلم می‌گردد، از این‌رو، گویش آن بسیار نزدیک به گویش نائینی است. این بخش، از شمال به استان سمنان، از جنوب به استان یزد، از شرق به شهرستان خور و بیابانک و از غرب به بخش مرکزی شهرستان نائین منتهی می‌شود. در مورد تاریخ این شهر توافقی وجود ندارد. به نقلی بنای این شهر به زمان ساسانیان برمی‌گردد که واحه‌ای بر سر راه معدن سرب و نقره نخلک بوده‌است. همچنین بنای اولین خشت انارک را به اعتبار سخنی منقول، به زمان شاه‌عباس منسوب می‌دارند. در دوران استیلای اعراب و پس از آن تا حدود اواخر دوران قاجاریه انارک چهارراه ارتباطی بوده‌است.

1. Oranskij
2. Schmitt
3. Yarshater
4. LeCoq

مسیری که از جنوب کشور آغاز و به ورامین و تهران ختم می‌شد. اکنون نیز استان‌های غربی کشور برای دسترسی به استان‌های شرقی و مخصوصاً خراسان رضوی از این شهر عبور می‌کنند. تنها سند باقی مانده و معتبر راجع به ساخت‌وسازهای انارک، نامه میرزا تقی‌خان امیرکبیر مبنی بر پرداخت وجهی برای ساخت قلعه و حصار شهر برای تأمین امنیت محل از دستبرد راهزنان خطاب به کدخدایان انارک است. اسناد دیگری که از بین رفته‌اند، یکی گچ‌بری مسجد حاج محمدرضا بوده که قدمت ۲۵۰ ساله مسجد را نشان می‌داد و در دهه ۶۰ دست تعافل مرمتگران آن را به نابودی کشاند و دیگر سنگ شناسنامه کاروان‌سرای رباط که در دهه ۷۰ به سرقت رفت. بقایای برج و بارو، در و دروازه، کوچه و پس کوچه‌های باریک و پرپیچ و خم این شهر نشان از اندیشه دفاعی در ساخت شهر دارد. این مجموعه شامل کاروان‌سرا، مسجد جامع، حسینیه و خانه‌های مسکونی است که با بهره‌گیری از معماری سنتی ساخته شده‌اند. بافت قدیمی انارک، شامل هفت محله است که براساس وضعیت طبقاتی، موقعیت مکانی و کاربری محلات نامگذاری شده است و شامل محلات بیابانک، بیک‌علی، حصار، عرب‌ها، سراب، قافله‌گاه و جوباره می‌گردد. از آنجا که انارک، در همسایگی و در جنوب استان سمنان واقع شده‌است، بسیاری از گویشوران این گویش در این استان زندگی می‌کنند، از این رو، داده‌های این مختصر از این استان و از گویشوران انارکی ساکن شهرستان شاهرود در استان سمنان جمع‌آوری شده‌است. هدف این پژوهش، واکاوی معماری «فعل» در گویش انارکی براساس مقوله‌های «واژمعنایی»^۱ مانند زمان^۲، وجه^۳، نمود^۴ و نفی^۵ و هم‌چنین نظام مطابقت^۶ منحصر به فرد این گویش یعنی «نظام مطابقت انشاقی»^۷ است.

۲- نظام فعل در انارکی

بررسی نظام فعل در زبان‌های دنیا، عموماً بررسی سه مؤلفه وابسته به فعل؛ بن فعل (عنصر واژگانی)، نشانه مطابقت فعل با فاعل یا شناسه فعل (مقوله واژنحوی)، و مقولات واژمعنایی فعل؛ زمان، وجه، نمود و نفی است. این پژوهش به بررسی دو مؤلفه شناسه و نیز مقولات

1. Morphosemantic
2. tense
3. mood
4. aspect
5. negation
6. Agreement
7. Split Agreement System

واژه‌معنایی فعل می‌پردازد. نظام مطابقت‌انارکی که با شناسه‌ها بازنمایی می‌شود دستخوش انشقاقی است که در زبان‌های دنیا نادر است.

۲-۱- نظام مطابقت‌انشقاقی در انارکی

زبان‌های دنیا روابط میان عناصر زبانی خود را با فرایندهایی متفاوت رمزگذاری می‌کنند. مطابقت از این فرایندهاست که به عنوان ابزاری دستوری، روابط صوری و معنایی میان عناصر یک حوزه نحوی را به نمایش می‌گذارد. براساس کوربت^۱ (۲۰۰۱) مطابقت، نمایش هماهنگی صوری و معنایی میان دو عنصر زبانی در یک حوزه مشخص نحوی است. با فرایند مطابقت، ویژگی‌های صوری یک عنصر را ویژگی‌های صوری یا معنایی عنصر دیگر تعیین می‌کند (استیله^۲، ۱۹۷۸: ۶۱۰). براساس مطالعه داوتی^۳ و یاکوبسن^۴ (۱۹۸۸)، فاعل، کنترل‌کننده رایج مطابقت در زبان‌های دنیاست، یعنی بیشترین مطابقت برقرارشده در زبان‌های دنیا، میان فاعل و فعل است. براساس این معیار، مطابقت متعارف^۵، مطابقتی است که اجزای وابسته مانند وند تصریفی برقرار کند. بنابراین، نشانه مطابقت وند تصریفی، متعارف و نشانه مطابقت کلمه آزاد، نامتعارف است. انارکی، مانند دیگر زبان‌های ایرانی، نظام مطابقت فعل با فاعل دارد. اما داده‌های انارکی، حاکی از وجود نظام مطابقتی منحصر به فرد در این گویش هستند. نظام مطابقت مذکور دو مشخصه تقریباً نادر و تقریباً غیرمتعارف در میان زبان‌های دنیا دارد: استفاده از واژه‌بست^۶ به جای وند تصریفی نشانه مطابقت؛ قرار گرفتن نشانه مطابقت در جایگاه پیش از فعل به جای جایگاه پس از فعل.

۲-۱-۱- استفاده از «واژه‌بست» به جای وند تصریفی به عنوان «نشانه مطابقت»

براساس رویکرد مطابقت متعارف کوربت (۲۰۰۱)، مقولات زبانی متعارف، بهترین، شفاف‌ترین و بی‌چون‌وچرا ترین نمونه‌های یک مقوله‌اند که بررسی مفاهیم فازی و پیوستاری زبان را تسهیل می‌نمایند. از آنجاکه نظام مطابقت در زبان‌های دنیا، نظامی با تفاوت‌های صوری فراوان در نشانه‌های رمزگذارنده است، تعیین صورت‌های متعارف، مجموعه‌ای از شفاف‌ترین ویژگی‌های

1. Corbett

2. Steele

3. Dowty

4. Jakobson

5. Canonical Agreement

6. Clitic

این مقوله را گرد هم آورده و با این خوشه‌سازی، معیاری راستین برای سنجش شواهد واقعی زبان‌های دنیا به دست می‌دهد. یکی از معیارهای تعیین مطابقت متعارف، حضور نشانه‌های مطابقت به صورت تکواژهای وابسته یعنی وندهای تصریفی است. به بیان دیگر، اگر زبان یا گویشی، از وندهای تصریفی در بیان رابطه مطابقت استفاده کند، یعنی به وضعیت متعارفی از مطابقت نزدیک شده‌است. نظام مطابقت گویش انارکی در زمان حال، وندهای تصریفی یا شناسه‌ها را به خدمت می‌گیرد، با این حال، در زمان گذشته در این گویش، این واژه‌بسته‌ها هستند که بازنمایی رابطه مطابقت را بر عهده می‌گیرند. این روش از بازنمایی مطابقت واژه‌بسته‌ها در برخی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی از جمله بلوچی اربابان، دوانی، لارستانی، تالشی و وفسی مشاهده می‌شود (نک. دبیرمقدم، ۱۳۹۲، جلد اول). برای روشن شدن وضعیت نمایش مطابقت در انارکی، ابتدا فهرست ضمائر شخصی، و سپس پسوندهای مطابقت و واژه‌بسته‌های ضمیری این گویش را که البته در نظام مطابقت انارکی، صورت پیش‌بست^۱ دارند و در زمان گذشته، نقش مطابقت فعل با فاعل را بازی می‌کنند نشان می‌دهیم:

جدول ۱. ضمائر شخصی در انارکی

شخص	مفرد	جمع
اول شخص	<i>mu</i>	<i>mâ</i>
دوم شخص	<i>tu</i>	<i>šimâ</i>
سوم شخص	<i>on / in</i>	<i>ihâ</i>

جدول ۲. پسوندهای تصریفی مطابقت (شناسه‌ها) در انارکی

شخص	مفرد	جمع
اول شخص	<i>-i</i>	<i>-(a)em</i>
دوم شخص	<i>-i (a)</i>	<i>-it</i>
سوم شخص	<i>-a</i>	<i>-en</i>

جدول ۳. واژه‌بسته‌های ضمیری در انارکی

شخص	مفرد	جمع
اول شخص	<i>=m</i>	<i>=m(i)ni</i>
دوم شخص	<i>=t</i>	<i>=t(i)ni</i>
سوم شخص	<i>=š</i>	<i>=š(i)ni</i>

1. proclitic

بخشی از نظام مطابقت انارکی با واژه‌بست‌های ضمیری رمزگذاری می‌شود. واژه‌بست‌های ضمیری، نقش‌های متفاوتی در زبان‌های مختلف بر عهده دارند. واژه‌بست‌های ضمیری (به صورت پی‌بست ^۱) در فارسی، نقش مفعول مستقیم (مثل: -ت؛ واژه‌بست ضمیری دوم شخص مفرد، در می‌شناسمت)، مفعول غیرمستقیم (-م؛ واژه‌بست ضمیری اول شخص مفرد، در اَرم)، ملکی (-شان؛ واژه‌بست ضمیری سوم شخص جمع، در کتابشان) و مطابقت فاعلی (فقط برای سوم شخص مفرد، -ش، در رفتیش) را برعهده دارند. در انارکی نیز نقش‌های مذکور به همین شکل با واژه‌بست‌های ضمیری برقرار می‌شود، با این تفاوت که در مطابقت فاعلی انارکی، واژه‌بست‌های ضمیری برای تمام صیغگان شخص و شمار، این رابطه نحوی را برقرار می‌کند. در جدول ۴ واژه‌بست‌های ضمیری انارکی را در ساخت «ملکی» و نشانه «مالک» می‌بینیم:

جدول ۴. واژه‌بست‌های ضمیری در انارکی: در ساخت «ملکی»

مثال	واژه‌بست ملکی	مثال	واژه‌بست ملکی
(۱) پدرم $pio=m$	$=m$	(۱) پدرمان $pio=m(i)ni$	$=m(i)ni$
(۲) پدرت $pio=t$	$=t$	(۲) پدرتان $pio=t(i)ni$	$=t(i)ni$
(۳) پدرش $pio=\check{s}$	$=\check{s}$	(۳) پدرشان $pio=\check{s}(i)ni$	$=\check{s}(i)ni$

اینک برای نمایش وضعیت برقراری مطابقت در انارکی در دو زمان حال و گذشته، صیغگان بن فعل *-vin-* «دیدن» را در دو زمان حال و گذشته، نشان می‌دهیم. پیشوند *e-* در صیغگان زمان حال، نشانه وجه اخباری در انارکی است.

جدول ۵. صرف بن فعل *-vin-* «دیدن» در زمان حال و وجه اخباری در انارکی

فارسی معیار	انارکی	فارسی معیار	انارکی
می بینم	$e-vin-i$	می بینیم	$e-vin-em$
می بینی	$e-vin-i$	می بینید	$e-vin-it$
می بیند	$e-vin-a$	می بینند	$e-vin-en$

جدول ۶. صرف بن فعل *-di* «دیدن» در زمان گذشته در انارکی

فارسی معیار	انارکی	فارسی معیار	انارکی
دیدم	$m(i)=di$	دیدیم	$m(i)n(i)=di$
دیدیدی	$t(i)=di$	دیدید	$t(i)n(i)=di$
دید	$\check{s}(i)=di$	دیدند	$\check{s}(i)n(i)=di$

مشاهده می‌شود که برقراری مطابقه در زمان گذشته در انارکی با واژه‌بست‌های ضمیری این گویش که عموماً نقش مفعول و یا مالک در ساخت ملکی بر عهده دارند برقرار می‌گردد. در صرف صیغگان جدول ۶، واج میانجی *-i-*، میان پیش‌بست‌های ضمیری و بن ماضی فعل *-di-* «دیدن»، برای سهولت تلفظ افزوده شده‌است. نکتهٔ تعمق برانگیز در به‌کارگیری و ترتیب واژهٔ واژه‌بست‌های ضمیری در نظام مطابقهٔ انارکی آن است که این واژه‌بست‌ها در نقش مفعولی یا ملکی در انارکی به صورت پی‌بست و در نظام مطابقه، صورت پیش‌بست دارند. در زبان‌های ایرانی بررسی شده در دبیر مقدم (۱۳۹۲)، زبان لارستانی نیز از پیش‌بست به جای پی‌بست در برقراری مطابقه استفاده می‌کند. براساس مثال‌های لارستانی (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۳۸۴) پیش‌بست‌های لارستانی، پیش‌بست‌های شناور^۱ هستند، یعنی می‌توانند علاوه بر افعال، اجزای دیگر، از جمله حروف اضافه را نیز میزبان خویش برگزینند. مثال ۱، نمونه‌ای از این نظام و اتصال پیش‌بست مطابقهٔ فاعلی (=š) را به حرف اضافه (æ) در لارستانی نشان می‌دهد (برگرفته از همانجا):

۱) $ænæ\ mærd-i\ ketab-i\ \check{s}=æ\ mæryæm\ da$

داد مریم به- پیش‌بست اش م^(۱) معرفه- کتاب معرفه- مرد آن

«آن مرد کتاب را به مریم داد.»

شواهد انارکی از جمله مثال ۲، حاکی است که واژه‌بست نشانهٔ مطابقه در این گویش هم می‌تواند جایگاه ثابتی در جمله و پیش از فعل نداشته باشد و مانند لارستانی، شناور باشد. در این مثال، واژه‌بست به صورت پی‌بست به قید تکرار متصل شده‌است:

۲) $pe=m$

$vâ-t$

نشانه گذشته-بن ماضی فعل گفتن واژه‌بست مطابقه فاعلی اش م= باز

«باز گفتم»

۲-۱-۲- نظام مطابقت انارکی از منظر «دستوری‌شدگی»^۱

برطبق چارچوب دستوری‌شدگی، واژگان، منبع اصلی امکانات دستوری است. کلمات قاموسی با معنای خاص در مسیر دستوری‌شدگی خود معمولاً تبدیل به کلمات نقشی می‌شوند، کلمات نقشی با از دست دادن استقلال واجی تبدیل به واژه‌بست می‌گردند. این مسیر را با نمودار مرحله‌ای دستوری‌شدگی می‌توان باز نمود (هاپر^۲ و تراگوت^۳ ۲۰۰۳: ۷).
کلمه قاموسی < کلمه نقشی > واژه‌بست < وند تصریفی

مسیر تغییر مورد نظر از جمله مسیرهای دستوری‌شدگی تکرار شونده در زبان‌های دنیا از جمله فارسی است (نک. نغزگوی کهن، ۱۳۸۷). براساس این مسیر، وندهای تصریفی، عناصری بسیار دستوری‌شده‌تر از واژه‌بست‌هایند. از آنجا که در گویش انارکی، بخشی از نظام مطابقت، با واژه‌بست‌ها بازنمایی می‌شود، باید گفت که این نظام انشاقی مطابقت که هم از وندهای تصریفی و هم از واژه‌بست‌ها در نمایش روابط نحوی در جمله بهره می‌جوید، نظامی در میانه راه دستوری‌شدگی است. به عبارت دیگر، چنین نظام‌های دوشقی، نسبت به نظام‌های مطابقت یکدست مانند فارسی که فقط از دستوری‌شده‌ترین عناصر ساختواژی، یعنی وندهای تصریفی، استفاده می‌کنند، کمتر دستوری شده‌اند.

۲-۳-۱- نظام مطابقت انارکی از منظر «اصل وابستگی»^۴

براساس مانوا^۵ (۲۰۱۵) در حوزه زبان‌شناسی نظری، هشت رویکرد متفاوت به چگونگی ترتیب وند در واژگان زبان‌های دنیا ارائه شده‌است. رویکرد معنایی به این مقوله نحوی، رویکردی است که بایبی^۶ (۱۹۸۵) با عنوان رویکرد «اصل وابستگی» معرفی کرده و در این پژوهش چارچوب نظری است. براساس این اصل، اگر دو عنصر معنایی از لحاظ محتوا، ارتباط نزدیکی داشته باشند، به صورت تصریفی و یا واژگانی بیان می‌شوند و در غیراین صورت ترکیب آنها محدود به عبارت نحوی خواهد بود. بایبی با معرفی اصل وابستگی که مبنایی معنایی دارد به بررسی رده‌شناختی ترتیب مقوله‌های تصریفی در فعل‌ها در پنجاه زبان دنیا پرداخته‌است.

1. grammaticalization
2. Hopper
3. Traugott
4. Relevance Principle
5. Manova
6. Bybee

براساس اصل وابستگی بای‌بی، هر مقوله‌ای که همبستگی معنایی بیشتری با فعل دارد به ریشه فعل نزدیک‌تر می‌شود؛ در صورتی که مقوله‌ای که همبستگی معنایی کمتری به فعل دارد، با فاصله بیشتری از پایه فعل ظاهر می‌شود. بای‌بی پس از بررسی مقولات معنایی فعل از جمله زمان، وجه و نمود در پنجاه زبان دنیا، توانست از این اصل و سلسله‌مراتب حاصل از آن در بررسی ترتیب حضور وندهای فعلی، به عنوان اصلی جهانی و بخشی از جهانی‌های زبان یاد کند. از آنجاکه اصل مذکور، اساسی معنایی دارد، انتظار می‌رود براساس آن، وندهایی که معنایی را به فعل اضافه می‌کنند در نزدیک‌ترین فاصله به فعل قرار گیرند، اگر این معنا، معنایی واژگانی باشد (مانند وندهای اشتقاقی)، وند مذکور، پیش از وندهای تصریفی که معنایی دستوری را به فعل اضافه می‌کنند، به فعل افزوده می‌شود. مثلاً وند اشتقاقی سببی‌ساز /-ن در فارسی، که مستقیم بر معنای فعل تأثیر می‌گذارد و ظرفیت موضوعات فعل را افزایش می‌دهد، پیش از تمامی وندها به بن فعل افزوده می‌شود و در نزدیک‌ترین فاصله با فعل قرار می‌گیرد. در غذا را به کودک خور/ندم، پسوند اشتقاقی ساز /-ن از پسوند تصریفی گذشته‌ساز -ن و مطابقت شخص و شمار (شناسه) -م به فعل، که معنای دستوری به فعل می‌افزایند، نزدیک‌تر است. براساس این مثال در فارسی و نیز اصل جهانی وابستگی، می‌توان نتیجه گرفت که نشانه‌های مطابقت در زبان‌های دنیا غالباً در دورترین فاصله نسبت به فعل ظاهر می‌شوند. دلیل آن است که فرایند برقراری مطابقت میان فاعل و فعل، موضوعی معنایی نیست بلکه رابطه‌ای کاملاً نحوی است، یعنی بازنمایی مطابقت با نشانه‌های مطابقت، از حوزه معنای وابسته به فعل کاملاً جدا شده و به حوزه نحو ورود کرده است. به همین دلیل در بسیاری از زبان‌های دنیا نشانه‌های مذکور، آخرین نشانه‌های متصل به فعل‌اند. با وجود این، مشاهده می‌شود که انارکی، اصل جهانی وابستگی را نقض نموده و نشانه‌های مطابقت را در نزدیک‌ترین فاصله به فعل و حتی پیش از فعل به خدمت می‌گیرد. در جدول ۶ و هم‌چنین در مثال ۳ مشخص می‌گردد که گویش انارکی، جایگاهی را برای قرارگیری نشانه‌های مطابقت، که پیش‌بست‌های ضمیری بوده و در زمان گذشته استفاده شده‌اند را در نظر می‌گیرد که مغایر اصول به‌کاررفته در دیگر زبان‌های دنیاست. علت این موضوع، نیاز به مطالعه وسیعی در این گویش و دیگر گویش‌های ایرانی، از جمله لارستانی دارد که متأسفانه از حوصله این پژوهش خارج است:

۳) *mu* *čai* *mi=sâ-t*

من

چای

م پیش‌بست مطابقت فاعلی اش م

«من چای درست کردم.»

۲-۱-۴- «پیش‌بست» به جای «پی‌بست» در نظام مطابقت‌انارکی

براساس کوریت (۲۰۰۶: ۱۳)، برقراری مطابقت با وندها نسبت به واژه‌بست‌ها، شرایط متعارف‌تری به نمایش می‌گذارد. این ادعا در نمودار زیر نشان داده شده است:

وندها < واژه‌بست‌ها < کلمات آزاد

مطابقت‌های که از نشانه‌های واژه‌بستی برای برقراری بهره می‌گیرد، از درجه کمتری از متعارف‌بودگی نسبت به وندها برخوردار است. نظام مطابقت‌انارکی علاوه بر این نادربودگی رمزگذاری مطابقت، وضعیت نادرتری نیز در استفاده از واژه‌بست‌ها نشان می‌دهد. نکته جالب در نظام مطابقت‌انارکی و گویش لارستانی (نک. دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۳۸۴)، این است که گویش انارکی، از واژه‌بست‌های ضمیری خود در نقش‌های ملکی و مفعولی در جایگاه پس از میزبان یعنی به صورت «پی‌بست» (= δ) به صورت پی‌بست ملکی است در مثال (۴) و در رمزگذاری مطابقت فاعلی و فعل در زمان گذشته، در پیش از میزبان یعنی به صورت «پیش‌بست» استفاده می‌کند (= δ) به صورت پیش‌بست مطابقت فاعلی است در مثال (۵).

شترش $o\delta\text{tor}(o)=\delta$ (۴)

داشت $\delta(e)=d\hat{a}rt$ (۵)

اگرچه کشف و بیان دلیل این عدم تقارن در جایگاه واژه‌بست‌های گویش انارکی، در حوصله این مختصر نمی‌گنجد و پژوهشی گسترده در حوزه روال‌های تغییرات تاریخی این گویش و نیز دوره‌های پیشین می‌طلبد، باید گفت چنین انشقاقی در نظام واژه‌بست‌های نشانه مطابقت، حتی در زبان‌های دنیا نیز نادر است. به اعتقاد کوریت (۲۰۰۶: ۷۵)، در مطالعات تاریخی زبان‌شناسی، ضمائر شخصی به عنوان منابع تکوین نشانه‌های مطابقت معرفی شده‌اند. به همین دلیل اسپنسر^۱ (۱۹۹۱: ۳۸۴) بر آن است که در بسیاری از موارد، تشخیص اینکه عنصری، ضمیر شخصی و یا واژه‌بست نشانه مطابقت است بسیار دشوار است، چراکه واژه‌بست‌ها مانند ضمائر قابل جابه‌جایی در سطح جمله هستند. کوریت (۲۰۰۶: ۷۵) در پژوهشی وسیع در «مطابقت» زبان‌های دنیا، تنها به مواردی محدود از استفاده پیش‌بست در مقام نشانه مطابقت اشاره کرده است. شواهد او (همان: ۱۳) از دو زبان اسکوا^۲ و مقدونیه‌ای^۳ است:

$m\acute{o}e\ ke=fue$ ke (۶)

1. Spencer

2. Skou یکی از زبان‌های گینه نو

3. Macedonian زبان اسلاوی جنوبی

دید= ۳ش مفرد مذکر ماهی ۳ش مفرد مذکر

«او یک ماهی دید.»

۷) *kuče-to*

ja=kasa

mačka-ta

نشانه معرفه مفرد خنثی - سگ

غاز زدن= ۳ش مفرد مؤنث

نشانه معرفه مفرد مؤنث - گربه

«سگ گربه را گاز می‌گیرد.»

با توجه به اینکه رمزگذاری مطابقه با واژه‌بست‌ها نسبت به وندها روندی نامتعارف‌تر قلمداد می‌شود، و نیز اینکه انارکی علاوه بر این معیار نامتعارف‌بودگی، انشقاقی را نیز در به‌کارگیری این واژه‌بست‌ها در زمان گذشته به نمایش می‌گذارد، یعنی به جای پی‌بست، پیش‌بست به کار می‌برد، نظام مطابقه انارکی در زمان گذشته باید یکی از نامتعارف‌ترین نظام‌های مطابقه در زبان‌های دنیا باشد.

۲-۲- مقولات واژمعنایی

واژگان تصریف‌شده یک زبان، همواره تفاوت‌هایی در صورت خود به نمایش می‌گذارند. این صورت‌های متفاوت، با معانی و نقش‌هایی مرتبط‌اند که در دستور زبان مقوله^(۳) نامیده می‌شوند (کی‌بورت، ۲۰۱۰). مقوله‌های «واژمعنایی» مانند زمان، وجه، نمود دستوری و نفی در «فهرست مشخصه‌های دستوری»^۲ به مقولاتی گفته می‌شود که معانی دستوری وابسته به اجزای کلام مانند فعل را با تکواژهایی خاص بازنمایی می‌کنند. این مقولات، از آن‌رو «واژمعنایی» و نه «واژنحوی»^۳ خوانده می‌شوند که تنها معنایی وابسته به ماهیت جزء کلام و بی‌ارتباط با دیگر اجزای بند در حوزه مشخص نحوی را به جزء کلام می‌افزایند و نیز با حضور در حوزه مشخص نحوی مانند بند، عنصر دیگری را به کنترل خود در نمی‌آورند.

۲-۲-۱- مقوله‌های واژمعنایی: زمان^(۳) در انارکی

زمان، در حوزه شناخت بشر، مفهوم جدیدی نیست. زمان، آغاز و پایانی ندارد، پس ما قادر نیستیم وقایع جهان پیرامون را طبق نقاط آغاز و پایان زمان بیان کنیم، از این رو، ناگزیریم هر رخداد واقع در زمان را نسبت به زمانی دیگر بیان کنیم. تحقق زمانی زمان، به معنای کاربرد ساخت‌هایی زمانی برای گفت‌وگو در مورد رخدادها، وضعیت‌ها و کنش‌ها در نقاط مختلف زمانی

1. Kibort
2. Grammatical Features Inventory
3. Morphosyntactic

است. بدین معنا که زمان در زبان یا زمان دستوری، مفهومی اشاری و در رابطه با زمان واقعی، نسبی است. به بیان دیگر، زمان در زبان، جایگاه زمانی یک رخداد را نسبت به زمان گفتار یا نسبت به زمان رخدادی دیگر در متن نشان می‌دهد (بهات، ۱۹۹۹: ۴۳). وقتی نقاط زمانی وقوع رخدادها، وضعیت‌ها یا کنش‌ها نسبت به زمان گفتار سنجیده می‌شوند، ما در حال تعامل با مفهوم «زمان مطلق»^۲ هستیم، اما زمانی که این نقاط نسبت به نقاط زمانی رخدادهایی دیگر سنجیده می‌شوند با مفهوم «زمان نسبی»^۳ دست به گریبانیم (کامری^۴، ۱۹۷۶: ۵). در پیشینه مطالعات، زمان، به صورت خطی مستقیم نمایش داده می‌شود که تصوری از محور زمان است، بر روی این خط مستقیم (از چپ به راست)، نقطه‌ای که زمان گفتار را نشان می‌دهد، «زمان حال»^۵ نامیده می‌شود (بینیک^۶، ۱۹۹۱: ۵). هر رخدادی که در چپ این نقطه بر محور قرار گیرد «گذشته»^۷ است، یعنی تمام موقعیت‌هایی که پیش از لحظه گفتار در جریان بوده‌اند و هر رخدادی که در راست این نقطه باشد، «آینده»^۸ است، یعنی آنچه هنوز رخ نداده است.

۲-۲-۱-۱- زمان حال در انارکی

بینیک (۱۹۹۱) و کوشمایدور^۹ (۱۹۹۶) بر آن اند که «زمان حال» وجود خارجی ندارد، این زمان، تنها رابطی میان گذشته و آینده است. ادعای آنان مبتنی بر این است که گذشته و آینده، نقاطی ثابت، مشخص و هم‌راستا بر محور زمان‌اند، اما زمان حال که در میان این دو نقطه واقع شده، هستی پویایی است که در امتداد محور زمان حرکت می‌کند و موقعیت مکانی‌اش در هر لحظه دستخوش تغییر می‌شود. این موقعیت مکانی در لحظه «حال» نامیده می‌شود و دیگر جایگاه‌های زمانی رخدادها نسبت به آن سنجیده می‌شوند. به باور بهات (۱۹۹۸: ۱۷)، زمان حال، بیش از هر چیز بر وقایعی که در زمان حال و در همان حین گفت‌وگو به طور عاداتی^{۱۰}، مستمر^{۱۱} (در لحظه) و پیوسته^{۱۲} (همیشگی) در جریان هستند اطلاق می‌شود. کامری (۱۹۸۵: ۳۸) نیز معتقد

1. Bhatt
2. Absolute Tense
3. Relative Tense
4. Comrie
5. Present
6. Binnik
7. Past
8. Future
9. Koschmeider
10. habitual
11. progressive
12. continuous

است، زمان حال، نیاز به توصیف زیادی ندارد، تنها کافی است موقعیتی را در زمان گفت‌وگو و زمان حاضر میان گوینده و شنونده قرار دهد. انارکی زمان حال را با سه مشخصه رمزگذاری می‌کند: پیشوند *e-* بن مضارع فعل^(۴)؛ استفاده از وندهای تصریفی نشانهٔ مطابقه (جدول ۲).

جدول ۲. صرف زمان حال برای فعل «دیدن» در انارکی

فارسی معیار	انارکی	فارسی معیار	انارکی
می‌بینم	<i>e-vin-i</i>	می‌بینیم	<i>e-vin-em</i>
می‌بینی	<i>e-vin-i</i>	می‌بینید	<i>e-vin-it</i>
می‌بیند	<i>e-vin-a</i>	می‌بینند	<i>e-vin-en</i>

۲-۲-۱-۲- زمان گذشته در انارکی

کامری (۱۹۸۵: ۴۱) معتقد است زمان گذشته، فقط، موقعیتی را در گذشته یعنی در زمانی قبل از زمان گفت‌وگو، زمان مشترک میان گوینده و شنونده قرار می‌دهد، بی‌آنکه نشان دهد این موقعیت که قبل از گفت‌وگوی شنونده و گوینده رخ داده‌است، چه نهایی پیدا می‌کند. تمرکز این زمان، تنها، بر بیان رخداد موقعیت در زمان گذشته است. بسیاری از زبان‌های دنیا، زمان گذشته را با نشانه‌های ساختواژی رمزگذاری می‌کنند. بازنمایی زمان گذشته در افعال انارکی، در بعضی از افعال با نشانهٔ زمان گذشته و در همهٔ افعال، با پیش‌بست نشانهٔ مطابقهٔ فاعلی صورت می‌گیرد. پیش‌تر در مبحث مطابقهٔ انارکی به تفصیل ذکر کردیم که نظام مطابقه در انارکی، نظامی انشاقی است، بدین معنا که رابطهٔ نحوی مطابقه در این گویش و در زمان حال، با وندهای تصریفی و در زمان گذشته با پیش‌بست‌های ضمیری برقرار می‌شود. بنابراین، روش‌های رمزگذاری زمان گذشته در انارکی به ترتیب عبارت‌اند از: نشانهٔ زمان گذشته *t-* (در بعضی از افعال)؛ پیش‌بست نشانهٔ مطابقهٔ فاعلی (در همهٔ افعال).

جدول (۸ الف) صرف زمان گذشته را برای فعل «گفتن» *-vât-* در انارکی به نمایش می‌گذارد. می‌بینیم که در صرف این فعل برای زمان گذشته، هم نشانهٔ گذشته (وند تصریفی) *t-* و هم پیش‌بست مطابقه فاعلی ظاهر می‌شود، اما در جدول (۸ ب) که صرف فعل «دادن» *-dây-* را در زمان گذشته نشان می‌دهد، نشانهٔ گذشته وجود ندارد و گذشته بودن این فعل، فقط با پیش‌بست‌های مطابقهٔ فاعلی، قابل دریافت است:

جدول ۸ الف. صرف زمان گذشته «گفتن» -*vât*- (با نشانه گذشته و پیش‌بست مطابقت فاعلی)

فارسی معیار	انارکی	فارسی معیار	انارکی
گفتم	$m(e) = vâ-t$	گفتیم	$m(e)ni = vâ-t$
گفتی	$t(e) = vâ-t$	گفتید	$t(e)ni = vâ-t$
گفت	$\check{S}(e) = vâ-t$	گفتند	$\check{S}(e)ni = vâ-t$

جدول ۸ ب. صرف زمان گذشته «دادن» -*dây*- (با پیش‌بست مطابقت فاعلی و بدون نشانه گذشته)

فارسی معیار	انارکی	فارسی معیار	انارکی
ادم	$m(i) = dâ$	پس دادیم	$m(i)ni = dâ$
دادی	$t(i) = dâ$	پس دادید	$t(i)ni = dâ$
داد	$\check{S}(i) = dâ$	پس دادند	$\check{S}(i)ni = dâ$

۲-۲-۱-۳- زمان آینده در انارکی

انارکی برخلاف فارسی، که مجهز به نشانه تحلیلی زمان آینده است؛ فعل «خواستن»، هیچ نشانه ترکیبی یا تحلیلی مشخصی برای بازنمایی اختصاصی زمان آینده ندارد و در رمزگذاری زمان آینده، از صورت مضارع افعال استفاده می‌کند. البته براساس رضایتی کیشه‌خاله و ابراهیمی دینانی (۱۳۹۵) باید اشاره نمود که در زبان فارسی گفتاری نیز فعل آینده به صورت ترکیبی وجود ندارد. مضارع اخباری، به‌ویژه در افعال لحظه‌ای، صرفاً بر آینده دلالت دارد، مانند می‌میرم، می‌خوابم، می‌ایستم، می‌نشینم، می‌افتم. در اغلب گویش‌های ایرانی هم ساخت خاصی به نام آینده وجود ندارد و این مضارع اخباری است که غالباً به زمان آینده دلالت دارد. گویشوران غالباً برای دلالت فعل به زمان حال از مضارع مستمر استفاده می‌کنند. سابقه کاربرد مضارع مستمر در زبان فارسی نوشتاری از قرن اخیر تجاوز نمی‌کند. رضایتی کیشه‌خاله و ابراهیمی دینانی (۱۳۹۵) به درستی معتقدند که بهتر است در گویش‌های ایرانی این ساخت‌ها را آینده بنامیم تا مضارع اخباری، زیرا برای دلالت بر حال انحصاراً از ساختی به نام «مضارع مستمر» استفاده می‌کنند که در زبان نوشتاری به‌ویژه شکل کهن آن سابقه نداشته‌است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۲-۲-۲- مقوله‌های واژمعنایی: وجه در انارکی

براساس بهات (۱۹۹۸: ۶۳)، وجه، میزان واقعی بودن رخداد را به تصویر می‌کشد، به همین دلیل، او مهم‌ترین تمایزی را که در مقولهٔ وجه وجود دارد، تمایز میان «محقق»^۱ و «نامحقق»^۲ می‌داند. براساس این تمایز، محقق رویدادی است که به تحقق پیوسته است یا به‌طور عینی و یقینی، در حال به تحقق پیوستن است، اما نامحقق رویدادی است که فقط در قلمرو اندیشهٔ گویشور وجود دارد و هنوز در جهان واقع، یا تحقق نیافته و یا کسی از تحقق آن اطلاعی ندارد. از همین روی، بهات (همان: ۶۵) چنین تمایزی را تا حدود زیادی با تمایز میان زمان گذشته/ زمان غیرگذشته و نمود کامل^۳ / نمود غیرکامل^۴ برابر می‌داند و معتقد است در بسیاری از زبان‌های دنیا این تمایز، بنیادی‌ترین تمایز در کل نظام فعل محسوب می‌شود. او با ذکر مثالی از نظام محقق/ نامحقق بیان می‌کند که افعال مستمر، عادت‌ی و وضعیتی^۵؛ افعالی که در فارسی وجه اخباری^۶ نامیده می‌شوند: به ترتیب، مثل: دارم می‌روم، هر روز می‌روم و هستم، که بر تحقق قطعی فعل دلالت دارند، وجه محقق را به نمایش می‌گذارند و افعالی که بر تحقق قطعی فعل دلالت ندارند، وجه نامحقق را. در وجه اخیر، زمان آینده، وجه التزامی^۷ و نیز وجه امری^۸ قرار می‌گیرند. فارسی معیار، وجه اخباری را با پیشوند می- رمزگذاری می‌کند (نک. نغزگوی کهن، ۱۳۹۴). اما انارکی، وجه محقق اخباری را با پیشوند e- نشان می‌دهد.

جدول ۹. صرف وجه اخباری برای فعل «بردن»-bir- در انارکی

فارسی معیار	انارکی	فارسی معیار	انارکی
می‌برم	e-bir-i	می‌بریم	e-bir-em
می‌بری	e-bir-i	می‌برید	e-bir-it
می‌برد	e-bir-a	می‌برند	e-bir-en

گفتیم که براساس بهات (۱۹۹۸: ۶۵)، وجوه التزامی و امری، وجوهی غیرمحقق‌اند، نشانهٔ این وجوه در زبان فارسی، پیشوند ب- است (برای نقش‌ها و معانی این پیشوند در فارسی نک. نغزگوی

1. realis
2. irrealis
3. perfect
4. imperfect
5. stative
6. declarative
7. Subjunctive mood
8. Imperative mood

کهن، ۱۳۹۲). اما انارکی علاوه بر استفاده از پیشوند *e-* برای رمزگذاری وجوه غیرمحقق التزامی و امری، از پیشوند *i-* نیز استفاده می‌کند. البته تشخیص قطعی این دو واژه کوتاه و بلند در تلفظ گویشوران انارکی دشوار بود. جدول (۱۰ الف) صرف فعل «پختن» *-pič-* را در وجه التزامی و زمان غیرگذشته (حال یا آینده) در انارکی و با پیشوند *i-* نشان می‌دهد:

جدول ۱۰ الف. صرف فعل «پختن» *-pič-* در وجه التزامی و زمان غیرگذشته در انارکی

فارسی معیار	انارکی	فارسی معیار	انارکی
بیزم	<i>i-pič-i</i>	بیزیم	<i>i-pič-em</i>
بیزی	<i>i-pič-i</i>	بیزید	<i>i-pič-it</i>
بیزد	<i>i-pič-a</i>	بیزند	<i>i-pič-en</i>

ساخت وجه التزامی در زمان گذشته انارکی، تقریباً مشابه فارسی است، در این ساخت مانند فارسی، از صفت مفعولی و فعل معین «بودن» استفاده شده است. جدول (۱۰ ب) صرف فعل «دیدن» *-di-* را در وجه التزامی و زمان گذشته نشان می‌دهد. در ساخت فعل مزبور، فعل *bo* «بودن» در زمان حال به معنای «باش»، نقش فعل معین را دارد، *a-* نشانه صفت مفعولی و *di(y)-a* صفت مفعولی از فعل دیدن است.

جدول ۱۰ ب. صرف فعل «دیدن» *-di-* در وجه التزامی و زمان گذشته در انارکی

فارسی معیار	انارکی	فارسی معیار	انارکی
دیده باشم	<i>m(i)=di(y)-a bo</i>	دیده باشیم	<i>m(i)ni=di(y)-a bo</i>
دیده باشی	<i>t(i)=di(y)-a bo</i>	دیده باشید	<i>t(i)ni=di(y)-a bo</i>
دیده باشد	<i>š(i)=di(y)-a bo</i>	دیده باشند	<i>š(i)ni=di(y)-a bo</i>

صورت امر فعل «پختن» در انارکی، یعنی برای دوم شخص مفرد در جدول ۱۱ مشخص شده است. برای ساخت صورت امر، شناسه دوم شخص مفرد حذف می‌شود:

جدول ۱۱. صورت امر دوم شخص مفرد برای فعل «پختن» در انارکی

فارسی معیار	انارکی
بیز	<i>i-pič</i>

۲-۳- مقوله‌های واژمعنایی: نمود دستوری در انارکی

«نمود دستوری»، از مقوله‌های معنایی فعل است که بازنمایی ویژگی‌های مرتبط با «دیرش» زمانی آن را بر عهده دارد. به بیان دیگر، در پیشینه مطالعات زبان‌شناختی، نمود دستوری، بازنمون جریان زمان درونی یک رویداد شناخته شده است (کامری، ۱۹۷۶: ۵۲). در مهم‌ترین تقسیم‌بندی موجود از مقوله دستوری نمود، کامری (همان: ۱۲) نمود را به‌طور کلی به دو دسته نمود کامل^۱ و نمود غیرکامل^۲ تقسیم می‌کند. مفهوم نمود کامل، بر رخداد موقعیتی در گذشته یا گذشته دور دلالت می‌کند که پیامد آن در زمان حال یا گذشته نزدیک، قابل مشاهده یا پیش‌بینی است. به عبارت دیگر، تمرکز این نمود بر بازنمایی یک موقعیت ایستای به وجود آمده در زمان حال یا گذشته نزدیک است که از رویدادی در گذشته یا گذشته دور منتج شده است. در فارسی، این نمود را ماضی نقلی و ماضی بعید نیز می‌نامند. این نمود در زبان فارسی با ساخت صفت مفعولی و صورت پی‌بستی فعل «بودن» رمزگذاری می‌شود. مانند رفته‌ام (ماضی نقلی یا حال کامل)^۳ و رفته بودم (ماضی بعید یا گذشته کامل)^۴. ساخت نمود کامل در انارکی، تقریباً مشابه فارسی است با این تفاوت که نشانه مطابقه در این گویش، همان‌طور که پیشتر اشاره شد، در زمان گذشته، صورت پیش‌بست دارد، اما در فارسی، صورت فعل پی‌بستی دارد. جدول ۱۲ صرف فعل «دیدن» با بن ماضی *-di-* را در نمود کامل (ماضی نقلی) نشان می‌دهد. در صورت‌های تصریف شده انارکی در نمود کامل، $di(y)a$ صفت مفعولی است که از ترکیب بن ماضی *-di-* و نشانه صفت مفعولی *-a* به دست آمده است:

جدول ۱۲. صرف فعل «دیدن» *-di-* در نمود کامل (حال کامل یا ماضی نقلی) در انارکی

فارسی معیار	انارکی	فارسی معیار	انارکی
دیده‌ام	$mi=di-(y)a$	دیده‌ایم	$m(i)ni=di-(y)a$
دیده‌ای	$t(i)=di-(y)a$	دیده‌اید	$t(i)ni=di-(y)a$
دیده‌است	$\check{s}i=di-(y)a$	دیده‌اند	$\check{s}(i)ni=di-(y)a$

گذشته کامل یا ماضی بعید نیز نماینده‌ای از نمود کامل است و بر عملی در گذشته‌ای دورتر از گذشته مورد نظر گوینده دلالت دارد، مثلاً در جمله دیروز که رفته بودم بازار، کیان رو

1. Perfect aspect
2. Imperfect aspect
3. Present perfect
4. Past perfect

اونجا دیدم. عمل انجام‌شده در گذشته و مورد نظر گوینده؛ دیدن کیان در بازار است، اما پیش از این گذشته مورد نظر، عمل رفتن به بازار انجام شده‌است، از این‌رو، این رخداد با ساخت گذشته کامل بیان می‌گردد. گذشته کامل یا ماضی بعید در فارسی ساخت صفت مفعولی + فعل بود + شناسه دارد. این نمود در انارکی هم تقریباً با همین شیوه رمزگذاری می‌شود، با این تفاوت که در انارکی، شناسه یا نشانه مطابقه، که در فارسی، پسوند تصریفی است و به انتهای فعل معین «بودن» متصل می‌شود، صورت ساختواژی پیش‌بست دارند:

جدول ۱۳. صرف فعل «دیدن» -di- در نمود کامل (گذشته کامل یا ماضی بعید) در انارکی

فارسی معیار	انارکی	فارسی معیار	انارکی
دیده بودم	$m(i) = di-(y)a bi$	دیده بودیم	$m(i)ni = di-(y)a bi$
دیده بودی	$t(i) = di-(y)a bi$	دیده بودید	$t(i)-ni = di-(y)a bi$
دیده بود	$\check{s}(i) = di-(y)a bi$	دیده بودند	$\check{s}(i)-ni = di-(y)a bi$

نمود مستمر^۱ بنا بر تعریف کامری (۱۹۷۶: ۳۲) ابزاری دستوری برای توصیف لحظه در جریان یک رویداد پویاست. با این مقوله نحوی-معنایی، پیشرفت رویداد در گذر زمان را گوینده قاب‌بندی می‌کند و سرعت روند واقعه تا حد زیادی کاهش می‌یابد تا تمام توجه شنونده به جریان داخلی رویداد جلب شود. از این‌رو، این نمود بخشی از نمود کلی «غیرکامل» را تشکیل می‌دهد. نمود غیرکامل بر مبنای طبقه‌بندی کامری (۱۹۷۶)، در مقابل نمود کامل قرار می‌گیرد و بر عدم اتمام رویداد دلالت می‌کند. این نمود به دو بخش کلی عاداتی و استمراری تقسیم می‌شود. نمود عاداتی، بر رویدادی اطلاق می‌گردد که به قدر کفایت در زمان تکرار می‌شود، البته کامری (همان) میزان این تکرار را مشخص نمی‌کند، اما نمود استمراری^۲، روایتی از حقیقت رویدادی همیشه در جریان، نه محدود به لحظه گفتار، را به نمایش می‌گذارد. اگر این روایت به ترسیم تصویری از جاری بودن رخداد در لحظه گفتار محدود شود، نمود مستمر نام می‌گیرد. نمود مستمر در زمان حال، عملی پویا را روایت می‌کند که در همان لحظه روایت در حال پیشروی بر روی محور زمان است، پس تصویری قاب گرفته‌شده از صحنه نمود استمراری است. نمود مذکور که تصویری فوری از لحظه‌ای از رویداد را بر محور نمود استمراری رنگ‌آمیزی می‌کند، در زبان فارسی با ساخت تحلیلی «فعل

1. Progressive Aspect
2. Continouse Aspect

معین داشتن (بن مضارع دار- برای حال مستمر و بن ماضی داش- برای گذشته مستمر) + شناسه + مضارع اخباری فعل اصلی + شناسه» تکوین می‌یابد، مثل جمله شَهلا دارد برایش کمپوت باز می‌کند. ساخت نمود مستمر در انارکی نیز مشابه، و احتمالاً تحت تأثیر فارسی است. در این گویش نیز از صورت زمان دار فعل معین «داشتن» با صورت زمان دار مضارع اخباری فعل اصلی برای بازنمایی نمود مستمر استفاده می‌شود:

جدول ۱۴. صرف فعل «دیدن» -vin- در نمود مستمر و زمان حال در انارکی

فارسی معیار	انارکی	فارسی معیار	انارکی
دارم می‌بینم	dâr-i e-vin-i	داریم می‌بینیم	dâr-em e-vin-em
داری می‌بینی	dâr-i e-vin-i	دارید می‌بینید	dâr-id e-vin-id
دارد می‌بیند	dâr-a e-vin-a	دارند می‌بینند	dâr-en e-vin-en

نمود مستمر در زمان گذشته، استمرار رخدادی را زمان مشخصی در گذشته به نمایش می‌گذارد. ساخت این نمود در فارسی، مشابه ساخت مستمر در زمان حال است، با این تفاوت که هر دو فعل زمان دار معین و اصلی در زمان گذشته ظاهر می‌شوند. انارکی نیز همانند فارسی، از همین الگو پیروی می‌کند. باید توجه داشت که به دلیل زمان گذشته این افعال، نشانه مطابقت فاعلی به صورت پیش‌بست بر سر هر دو فعل ظاهر می‌شود:

جدول ۱۵. صرف فعل «دیدن» -di- در نمود مستمر و زمان گذشته در انارکی

فارسی معیار	انارکی	فارسی معیار	انارکی
داشتیم می‌دیدم	me=dâr-t me=di	داشتیم می‌دیدیم	m(e)ne=dâr-t m(e)ne=di
داشتی می‌دید	te=dâr-t te=di	داشتید می‌دیدید	t(e)ne=dâr-t t(e)ne=di
داشت می‌دید	še=dâr-t še=di	داشتند می‌دیدند	š(e)ne=dâr-t š(e)ne=di

۲-۲-۴- مقوله‌های واژمعنایی: نفی در انارکی

مقوله واژمعنایی نفی، عملکردی است که با آن، معنای یک واحد واژگانی یا ساخت زبانی، انکار یا برعکس می‌شود (کریستال، ۱۹۹۱). این فرایند را عناصر ترکیبی یا تحلیلی، مانند پیشوندهای نفی صورت می‌دهند. نفی، غالباً در افعال صورت می‌گیرد. در فارسی معیار، منفی کردن فعل

با تکواژگونه‌های پیشوند منفی‌ساز *na-* (نَ-) امکان‌پذیر است. نفی در افعال انارکی نیز با پیشوند تصریفی *na-* که پیش از تمام سازه‌ها ظاهر می‌شود رمزگذاری می‌گردد:

جدول ۱۶. نفی فعل «خوردن» -*xârt*- در انارکی

فارسی معیار	انارکی	فارسی معیار	انارکی
نخوردم	<i>na-m=xâ</i>	نخوردیم	<i>na-mni=xâ</i>
نخوردی	<i>na-t=xâ</i>	نخوردید	<i>na-tni=xâ</i>
نخورد	<i>na-š=xâ</i>	نخوردند	<i>na-šni=xâ</i>

۳- نتیجه‌گیری

در مقاله کوشیدیم تا معماری نظام فعل در یکی از گویش‌های مرکزی ایران یعنی گویش انارکی را بررسی نماییم. بدین منظور، بازنمایی دو مؤلفه وابسته به فعل یعنی مؤلفه واژنحوی (نشانه‌های مطابقه) و مؤلفه‌های واژمعنایی (نشانه‌های نفی، زمان، وجه و نمود) را واکاوی کردیم. براساس داده‌های انارکی، مشاهده کردیم که این گویش، انشقاقی را در نظام مطابقه خود به نمایش می‌گذارد. این انشقاق که وضعیتی نادر در میان زبان‌های دنیا دارد، به برقراری مطابقه فاعل با فعل در زمان گذشته و با واژه‌بست‌های ضمیری این گویش مرتبط می‌شود. نکته قابل تأمل دیگر درباره بازنمایی این شیوه از مطابقه که در بررسی داده‌ها مشاهده گردید، به کارگیری پیش‌بست به جای پی‌بست در برقراری رابطه مطابقه است که در نوع خود و براساس اصل وابستگی، روشی نادر در میان زبان‌های دنیاست. در این مختصر، هم‌چنین نشان دادیم که انارکی، نشانه مخصوصی برای بازنمایی زمان آینده ندارد، اما زمان حال و وجوه اخباری و التزامی را با پیشوندهای تصریفی مشخص و زمان گذشته را با نشانه تصریفی زمان گذشته و نیز پیش‌بست‌های مطابقه رمزگذاری می‌کند.

پی‌نوشت

۱. علامت‌های اختصاری ش و م، در این پژوهش بر «شخص» و «مفرد» دلالت دارند.
۲. عنوان «مقوله» (معنای تصریفی)، در این پژوهش که برای مفاهیم دستوری چون جنس دستوری، شخص، شمار، زمان، وجه، وجهیت و ... به کار می‌رود، برگرفته از بای بی (۱۹۸۵) است. این موضوع زبانی را زوئیکی (Zwicky) ویژگی یا خصوصیت (Feature) نامیده‌است.
۳. در این پژوهش قصد نداریم پدیدارشناسی مقوله‌های واژمعنایی را واکاوی کنیم. با توجه به تعاریف موجود در پیشینه مطالعات زبان‌شناسی، بازنمایی مقوله‌های مذکور را در انارکی نمایش خواهیم داد.

۴. این مشخصه برای تمامی افعال در انارکی صدق نمی‌کند و تنها برای افعالی است که دو بن فعلی متفاوت برای افعال در دو زمان گذشته با بن ماضی و حال با بن مضارع دارند. مثلاً برخلاف فعل «داشتن» در فارسی، که دو بن فعلی؛ مضارع «دار» و ماضی «داش» دارد، انارکی در هر دو زمان حال و گذشته از بن مضارع «دار» استفاده می‌کند. مثل پدرم شتر داشت: pi(o)-m oštor(o) -š dâr-t

منابع

- ارانسکی، ی. ۱۳۸۶. *زبان‌های ایرانی*. ترجمه ع. ا. صادقی. تهران: سخن.
- اشمیت، ر. ۱۳۸۳. *راهنمای زبان‌های ایرانی*. ترجمه زیر نظر ح. رضایی باغ بیدی. تهران: ققنوس.
- دبیرمقدم، م. ۱۳۹۲. *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*. تهران: سمت.
- رضایتی کیشه‌خاله، م. و ابراهیمی دینانی، آ. ۱۳۹۵. «فعل آینده در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی». *زبان فارسی و گویش‌های ایرانی*. (۱) ۱: ۷-۲۶.
- لکوک، پ. ۱۳۸۳. «گویش‌های مرکزی ایران». در *راهنمای زبان‌های ایرانی*، ویراستار: ر. اشمیت، ترجمه زیر نظر ح. رضایی باغ بیدی. تهران: ققنوس: ۵۱۷-۵۴۰.
- نغزگوی کهن، م. ۱۳۸۷. «بررسی فرایند دستوری‌شدگی در فارسی جدید». *نامه فرهنگستان*، (۴): ۳-۲۴.
- _____ ۱۳۹۲. «تغییرات نقشی بی- در فارسی نو از منظر دستوری‌شدگی». در *مجموعه مقالات نخستین همایش ملی بررسی واژه‌بست‌ها در زبان‌های ایرانی*. به کوشش م. راسخ مهندس، تهران: نویسه.
- _____ ۱۳۹۳. «بررسی سیر تحول می- در فارسی امروز». در *مجموعه مقالات دومین همایش زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، گذشته و حال*. به کوشش م. جعفری دهقی، ن. خلیلی‌پور. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- نغزگوی کهن، م. و داوری، ش. ۱۳۹۳. *فرهنگ توصیفی زبان‌شناسی تاریخی*. تهران: علمی.
- Bhat, D.N.S. 1999. *The Prominence of Tense, Aspect and Mood*. Amsterdam: John Benjamins,
- Binnik, R. I. 1991. *Time and the Verb: A Guide to Tense and Aspect*. New York: Oxford University Press
- Bybee, Joan L. 1985. *Morphology: A Study of the Relation between Meaning and Form*. Amsterdam: Benjamins.
- Comrie, B. 1985. *Tense*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Corbett, Greville 1998. *Agreement and morphology*, edited: Spencer A. & Zwicky A. M. Blackwell. Published: 2001: 190-205.
- Corbett, Greville 2006. *Agreement*. Cambridge: Cambridge University Press.

- Crystal, David. 1991. *A dictionary of linguistics and phonetics*. 3rd edition. Cambridge, MA: Basil Blackwell.
- Dowty David, and Jacobson Paulin. 1988. Agreement as a semantic phenomenon. *Proceeding of the 5th annual Eastern States Conference on Linguistics (ESCOL)*, 95-108
- Hopper, P. J and E. C. Traugott. 2003. *Grammaticalization*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Kibort, Anna 2010. A typology of grammatical features. *Grammatical Features*. <http://www.grammaticalfeatures.net/inventory.html>.
- Koschemieder, E. 1996. *Les rapports temporels fondamentaux et leur expression linguistique*. Paris: Presses Universitaires du Septentrion (French, translation from German).
- Spencer, Andrew. 1991. *Morphological Theory: An Introduction to Word Structure in Generative Grammar*. Oxford: Blackwells.
- Steele, Susan 1978. Word Order variation: a typological study. In: Joseph H. Greenberg, Charles A. Ferguson & Edith A. Moravcsik (eds). *Universals of Human Language: IV: Syntax*, 585-623. Stanford: Stanford University Press.
- Yarshater, Ehsan 1985. Distinction of grammatical gender in the dialects of Kashan Province and adjoining areas. In: *Papers in Honour of Professor Mary Boyce II, Acta Iranica* 25. 727-45.
- Zwicky, Arnold M. 1985. How to describe inflection. *Berkeley Linguistic Society* 11:372-386.

